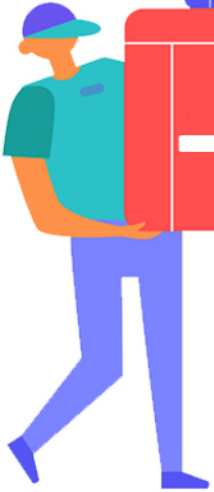


خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و ارسال رایگان

Medabook.com



هدابوک



دریافت برنامه ریزی و مشاوره

از مشاوران رتبه برتر

هوسه کنکوری آیدی نوین

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۴





کنکور +

جامع زبان انگلیسی

دهم، یازدهم، دوازدهم

+

آموزش کامل درک مطلب و

CLOZE TESTS

مهرداد جنیدی - هومن عدلی

سه کتاب + ۱
در
یک کتاب

بر نام آنکه مهربانی و رحمت از اوست

ای بسا هندو و ترک هم‌زبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگر است هم‌دلی از هم‌زبانی بهتر است

مقدمه مؤلفین:

زبان همواره مهم‌ترین وسیله ارتباط انسان‌ها با یکدیگر بوده است. انتقال کالا و دانش، مسافرت‌ها و مهاجرت‌ها، جنگ‌ها و کشورگشایی‌ها، ظهور اندیشه و ادیان بزرگ و ... همگی زمینه‌ساز انتقال واژه‌ها و مفاهیم از زبانی به زبان دیگر بوده‌اند. هرچند گاهی چیرگی قومی بر اقوام دیگر به غلبه کامل یا نسبی زبان فاتح منجر شده و در عین حال خود نیز از تأثیر همان فرهنگ و زبان بهره‌ها برده است. این نقش را زبان‌ها و اقوام گوناگون در مقاطع مختلف حیات تاریخی خود ایفا کرده‌اند که زبان‌های یونانی، لاتین، سانسکریت، فارسی، اسپانیایی، پرتغالی، فرانسه و انگلیسی از آن جمله‌اند.

با ظهور انقلاب صنعتی در اروپا به خصوص توسعه مستعمرات انگلیس در قرن نوزدهم، زبان انگلیسی به اجبار به عنوان یک زبان میانجی و غالب در بخش‌های وسیعی از جهان مورد استفاده قرار گرفت به گونه‌ای که بسیاری از متون رسمی در رشته‌های گوناگون با استفاده از آن به رشته تحریر درآمدند، گرچه امروزه زبان انگلیسی تنها زبان بین‌المللی مورد استفاده در این گونه ارتباطات نیست، از جمله مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود.

در دنیای کنونی دسترسی وسیع و سریع به منابع دانش ایجاب می‌کند تا دانشجو لااقل بر یکی از زبان‌های مورد استفاده در مراودات بین‌المللی مسلط باشد تا بتواند از آن به عنوان ابزار نیل بر دانستنی‌ها سود جوید. بدیهی است در کنار مفاهیم، شناخت کلمات، ساختار جملات، چگونگی ترکیب و نحوه به کارگیری آنها نیز از اهمیت به سزایی برخوردار باشد.

این کتاب وظیفه خود را پاسخگویی به این نیازها برای دانش‌آموزان در مقطع ورود به دانشگاه قرار داده است. بنابراین در کنار انبوهی از مطالب گفتنی تنها به کاربردی‌ترین بخش‌های آن بسنده کرده است که می‌تواند دانش‌آموزان را در این زمینه یاری رساند.

این کتاب شامل بخش‌های زیر است:

۱- بررسی واژگان کتاب‌های دهم، یازدهم و دوازدهم با ذکر مثال به همراه تصویرهای مرتبط، سپس پرسش‌های

چهارگزینه‌ای در هر درس بر مبنای واژگان مهم همان درس

۲- بررسی گرامر کتاب‌های دهم، یازدهم و دوازدهم همراه با تمرین و پرسش‌های چهارگزینه‌ای در هر مبحث

۳- طرح Cloze Tests و درک مطلب با توجه به موضوع هر درس

۴- آزمون‌های چهارگزینه‌ای برای هر درس از چندین آزمون چهارگزینه‌ای و دوره‌ای تشکیل شده و آزمون‌های جامع نیز در پایان هر یک از کتاب‌های دهم، یازدهم و دوازدهم قرار داده شده است.

۵- آموزش کامل درک مطلب و Cloze Tests با تمرین‌های کامل و بررسی نمونه‌های متن‌های متنوع که این بخش برای امتحانات نهایی و آزمون کنکور سراسری و همچنین هر آزمون تستی در هر سطحی قابل استفاده است.

۶- بخش ضمیمه شامل مباحث هم‌نشینی (Collocation)، واژه‌شناسی، واژگان مشابه، افعال بی‌قاعده (Irregular Verb) و آواشناسی (Phonetic) است که یادگیری مباحث این بخش نیز در امتحانات نهایی و آزمون‌های کنکور سراسری اهمیت بسیار دارد.

۷- پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنکورهای سراسری آزاد جهت جمع‌بندی واژگان

۸- سؤالات کنکور سراسری

۹- بخش واژه‌نامه کامل کتاب‌های دهم، یازدهم و دوازدهم به ترتیب الفبا (همراه با مآخذ اصلی واژه در کتاب) جهت دسترسی سریع دانش‌آموزان عزیز در بخش آخر کتاب

در پایان مؤلفین بر خود لازم می‌دانند که از مدیریت محترم انتشارات مبتکران جناب آقای دهقانی، دوست و همکار عزیز جناب استاد حجازیان جهت هماهنگی مجموعه کتاب‌های کنکور پلاس، مسئول بخش حروف‌چینی و گرافیک جناب آقای مبین جهت سازماندهی و پیگیری‌های دلسوزانه، سرکار خانم‌ها حمیده نوروزی و مونا خدایی حروف‌چین‌های باذوق و صبور، سرکار خانم رضیه صفریان طراح، سرکار خانم نرگس سربندی رسام، سرکار خانم سمانه ایمان‌فرد طراح باسلیقه جلد و سرکار خانم کبری مرادی مسئول محترم تولید و سرکار خانم بهاره یلداگرد که در گردآوری تصاویر کتاب دهم ما را یاری نمودند، سرکار خانم فیروزه نصرتی که بازبینی نهایی را به عهده گرفتند و نهایتاً از همه دوستان و همکاران عزیز در انتشارات محترم مبتکران کمال تشکر و سپاس خود را اعلام می‌دارند.

امیدواریم این قدم بتواند راه طولانی خود را با پیشنهادات اساتید، همکاران محترم و دانش‌آموزان گرامی به سوی سرمنزل مقصود طی کند.

در پایان مؤلفین با افتخار جهت پاسخگویی به سؤالات و پیشنهادات کلیه عزیزان از طریق پست الکترونیکی و یا از طریق تلگرام به آدرس‌های:

mehrdadjonaidi@yahoo.com ; t.me/engjonaidi

hoomanad@yahoo.com ; t.me/hoomanadli

آمادگی خود را اعلام می‌دارند.

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید

فهرست مطالب

کتاب اول (زبان انگلیسی دهم):

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
درس ۳		درس ۱	
۷۸	لیست واژگان.....	۸	لیست واژگان.....
۸۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژگان، Cloze Tests و درک مطلب.....	۲۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژگان، Cloze Tests و درک مطلب ...
۹۰	درسنامه‌های گرامر به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....	۲۴	درسنامه‌های گرامر به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....
۹۸	آزمون.....	۳۷	آزمون.....
۱۰۲	کلید تمرینات و پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....	۳۹	کلید تمرینات و پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....
درس ۴		درس ۲	
۱۱۰	لیست واژگان.....	۴۶	لیست واژگان.....
۱۱۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژگان، Cloze Tests و درک مطلب.....	۵۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژگان، Cloze Tests و درک مطلب.....
۱۲۲	درسنامه‌های گرامر به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....	۶۱	درسنامه‌های گرامر به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....
۱۳۴	آزمون.....	۶۸	آزمون.....
۱۴۲	کلید تمرینات و پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....	۷۲	کلید تمرینات و پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....

کتاب دوم (زبان انگلیسی یازدهم):

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
درس ۳		درس ۱	
۱۹۷	درسنامه‌های گرامر به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....	۱۵۲	لیست واژگان.....
۲۰۸	آزمون.....	۱۵۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژگان، Cloze Tests و درک مطلب.....
۲۱۳	کلید تمرینات و پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....	۱۶۲	درسنامه‌های گرامر به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....
درس ۳		درس ۲	
۲۲۱	لیست واژگان.....	۱۷۱	آزمون.....
۲۲۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژگان، Cloze Tests و درک مطلب.....	۱۷۴	کلید تمرینات و پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....
۲۳۳	درسنامه‌های گرامر به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....	درس ۲	
۲۴۱	آزمون.....	۱۷۹	لیست واژگان.....
۲۵۲	کلید تمرینات و پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای.....	۱۹۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژگان، Cloze Tests و درک مطلب.....

کتاب سوم (زبان انگلیسی دوازدهم):

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
درس ۱		درسنامه‌های گرامر به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۳۱۰
لیست واژگان	۲۶۲	آزمون	۳۱۹
پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژگان، Cloze Tests و درک مطلب	۲۶۹	کلید تمرینات و پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۳۲۳
درسنامه‌های گرامر به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۷۴	درس ۳	
آزمون	۲۸۵	لیست واژگان	۳۳۱
کلید تمرینات و پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۸۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژگان، Cloze Tests و درک مطلب	۳۴۰
درس ۲		درسنامه‌های گرامر به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۳۴۴
لیست واژگان	۲۹۵	آزمون	۳۴۹
پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژگان، Cloze Tests و درک مطلب	۳۰۵	کلید تمرینات و پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۳۶۲

کتاب چهارم (آموزش درک مطلب و کلوزتست):

آموزش درک مطلب به همراه تمرینات و کلید	۳۷۴
آموزش Cloze Tests به همراه تمرینات و کلید	۴۳۲

ضمائم:

آموزش Collocations (هم‌نشین‌ها)	۴۴۰
آموزش واژه‌شناسی (Suffixes and Prefixes)	۴۴۴
لیست کلمات مشابه (Confusing Words)	۴۵۰
لیست افعال بی‌قاعده (Irregular Verbs)	۴۵۵
آموزش الفبای فونتیک (آواشناسی) (Phonetic Alphabets)	۴۵۹
پرسش‌های چهارگزینه‌ای جمع‌بندی واژگان و کنکورهای سراسری به همراه کلید	۴۶۲
سوالات کنکور سراسری	۴۷۲
فهرست کامل واژه‌نامه الفبایی برحسب حروف الفبا	۴۸۱-۴۹۵

۱۰

زبان

کتاب دهم



درس اول

واژگان (Vocabularies)

**saving** ['seɪvɪŋ] (n.)

حفاظت / نجات

People in my country should care more about **saving** the forests.مردم کشورم باید توجه بیش تری نسبت به **حفاظت** از جنگل ها کنند.**nature** ['neɪtʃər] (n.)

ماهیت / ذات / طبیعت

The forces of **nature** are beyond human control.نیروهای **طبیعت**، خارج از کنترل بشر می باشند.**put out** [pʊt aʊt] (v.)

خاموش کردن

The firefighters managed to **put out** fire immediately.آتش نشانان توانستند آتش را فوراً **خاموش کنند**.**hurt** [hɜ:t] (v.)

آسیب رساندن / آسیب زدن به

I **hurt** my hand on that broken glass.دستم با آن لیوان شکسته **آسیب دید**.**cut down** [kʌt daʊn] (v.)

قطع کردن (بریدن)

If we **cut down** the trees, it will make the earth warmer.اگر درختان را **قطع کنیم** باعث می شود که زمین گرم تر شود.**injured** ['ɪndʒərd] (adj.)

مصدوم / آسیب دیده

Many **injured** people were taken to the hospital because of earthquake.بسیاری از افراد **آسیب دیده** به علت زلزله به بیمارستان برده شدند.



goat [goot] (n.)

بز

The **goat** milk is one of the tastiest food I've ever tried.

شیر **بز** یکی از خوش طعم ترین غذاهایی است که تاکنون امتحان کرده‌ام.

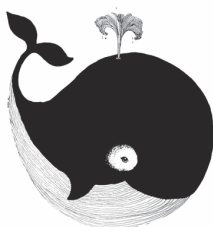


wolf [wulf] (n.)

گرگ

He watched the **wolf** disappear into the tall grass.

او **گرگی** را تماشا کرد که در داخل علف‌های بلند ناپدید شد.



whale [weil] (n.)

نهنگ

The **whale** has been found at the coast of California.

نهنگ در ساحل کالیفرنیا پیدا شده است.



leopard ['lɛpərd] (n.)

پلنگ

The greatest length of the **leopard** is about 7 feet.

بیشترین درازای **پلنگ** در حدود ۷ پا می‌باشد.



duck [dʌk] (n.)

اردک / مرغابی

I saw the **ducks** migrating south for the winter.

مرغابی‌هایی را دیدم که برای زمستان به سمت جنوب کوچ می‌کردند.



divide [dɪvaɪd] (v.)

تقسیم کردن

It will be easiest for the teacher to **divide** them into groups.

ساده‌ترین کار برای معلم این است که آنها را به چند گروه **تقسیم کند**.



endangered [ɪn'deɪndʒərd] (adj.)

در معرض خطر

His life was **endangered** by his close friend.

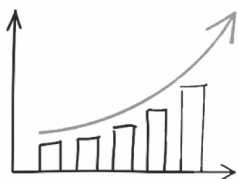
زندگی او به وسیله دوست صمیمی‌اش **در معرض خطر** قرار گرفت.

alive [əlaɪv] (adj.)

زنده

The police said, we won't let the robbers out of here **alive**.

پلیس گفت که به دزدها اجازه نخواهیم داد که **زنده** از اینجا خارج شوند.



increase [in'kri:s] (v.)

افزایش یافتن

The number of children in this school has **increased** greatly in recent years.

تعداد بچه‌های این مدرسه در طی سالیان اخیر به شدت **افزایش یافته** است.



hear [hɪər] (v.)

شنیدن

I have **heard** a lot of news about their personal life.

درباره زندگی شخصی‌شان، خبرهای زیادی **شنیده‌ام**.



protect [prə'tekt] (v.)

حمایت کردن / حفاظت کردن

She **protected** the children from every danger.

او بچه‌ها را از هر نوع خطری **محافظت کرد**.

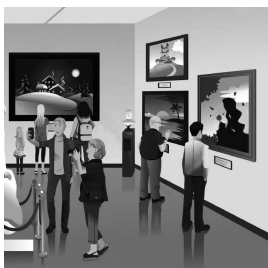


visit [vɪzɪt] (v.)

ملاقات کردن / بازدید کردن

My brother and I are going to **visit** an old neighbor.

من و برادرم قرار است که به **ملاقات** یک همسایه قدیمی برویم.



museum [mju:'ziəm] (n.)

موزه

This bus will take you to the carpet **museum**.

این اتوبوس شما را تا **موزه** فرش می‌برد.



wildlife [waɪldlaɪf] (n.)

حیات وحش

People in this area don't know much about the plants and **wildlife**.

مردم این منطقه در مورد گیاهان و **حیات وحش** چیز زیادی نمی‌دانند.

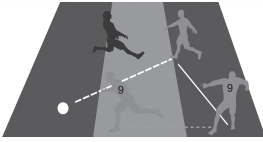


cheetah [tʃi'ə] (n.)

نوعی یوزپلنگ (چیتا)

cheetahs are known as endangered animals.

چیتاها به عنوان حیوانات در معرض خطر (در معرض نابودی) شناخته می‌شوند.

**plan** [plæn] (n.)

طرح / برنامه

The leaders worked out a peace **plan**.رهبران **طرحی** برای صلح ارائه کردند.**take care (of)** [teɪk keə əv] (v.)

مراقبت کردن از

You are old enough to **take care of** yourself.به اندازه کافی بزرگ شدی که از خودت **مراقبت کنی**.**orally** [ɔrəli] (adv.)

به طور شفاهی / شفاهاً

I tried to talk to my friend **orally** to find a way as soon as possible.سعی کردم **به طور شفاهی (گفتاری)** با دوستم صحبت کنم تا هرچه سریع‌تر راهی را پیدا کنیم.**tiger** [taɪgə] (n.)

ببر

Tom caught a **tiger** and shot two lions.تام، یک **ببر** را گرفت (به دام انداخت) و به دو شیر شلیک کرد.**forest** ['fɒrɪst] (n.)

جنگل

The children left the **forest** before the darkness.بچه‌ها **جنگل** را پیش از تاریکی ترک کردند.**destroy** [di'stroɪ] (v.)

نابود کردن / خراب کردن

The earthquake **destroyed** the city and many people were killed.زلزله شهر را **نابود کرد** و بسیاری از مردم کشته شدند.**jungle** ['dʒʌŋgl] (n.)

جنگل

Tigers are found in the **jungles** of Asia.ببرها در **جنگل‌های** آسیا یافت می‌شوند.**lion** [laɪən] (n.)

شیر

There was a **lion** in the cage and no one wanted to get close to it.یک **شیر** در قفس بود و هیچ‌کس نمی‌خواست که به آن نزدیک شود.



die out [daɪ aʊt] (v.)

از بین رفتن / منقرض شدن

Dinosaurs **died out** several million years ago.

دایناسورها چندین میلیون سال پیش **منقرض شدند**.



pay attention [peɪ ətənʃən] (v.)

توجه کردن

Our teacher told us to **pay attention** to him very carefully.

معلم به ما گفت که خیلی با دقت به او **توجه کنیم**.

natural [nætʃərəl] (adj.)

طبیعی

It is quite **natural** for a girl of her age to be interested in dolls.

برای دختری در سن او کاملاً **طبیعی** است که علاقه مند به عروسک باشد.



zebra [zɛbrə] (n.)

گورخر

Zebras and giraffes are found at a zoo. **گورخرها** و زرافه‌ها در باغ وحش یافت می‌شوند.

plain [pleɪn] (n.)

دشت / جلگه

The village was surrounded by the magic **plain**.

روستا با یک **دشت** خارق‌العاده احاطه شده بود.

hope [hɒp] (v.)

امیدوار بودن

I **hope** they will come back soon.

امیدوارم که آنها به زودی برگردند.



human ['hju:mən] (n.)

انسان، بشر

All **humans** should respect each other. تمامی **انسان‌ها** باید به یکدیگر احترام بگذارند.

instead [ɪnstɛd] (adv.)

در عوض / به جای

You should study hard **instead** of watching T.V.

تو باید **به جای** تماشای تلویزیون سخت مطالعه کنی.

future ['fju:ʃər] (n.)

آینده

Nobody knows about the **future**.

هیچ‌کس از **آینده** خبر ندارد.



lake [leɪk] (n.)

دریاچه

I couldn't see the **lake** from where I was standing.

از جایی که ایستاده بودم نمی‌توانستم **دریاچه** را ببینم.

among [əˈmʌŋ] (prep.)

در میان / در بین

He felt safe because he knew he was **among** friends.او احساس امنیت می کرد چون می دانست **در میان** دوستان است.**recently** [rɪsɪntli] (adv.)

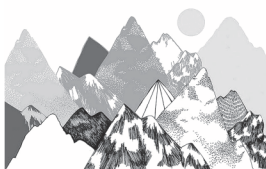
اخیراً / به تازگی

My mother has been in the hospital until **recently**.مادرم **تا چندی پیش** در بیمارستان بوده است.**anymore** [ɛnɪmɔr] (adv.)

دیگر، بیش از اینها

I don't want to stay here **anymore**.من **دیگر** نمی خواهم اینجا بمانم.**hunter** [hʌnter] (n.)

شکارچی

The police arrested the **hunter** because of killing the bear.پلیس، **شکارچی** را به خاطر کشتن خرس دستگیر کرد.**mountain** [maʊntən] (n.)

کوه / کوهستان

Mount Everest is the highest **mountain** in the world.کوه اورست، بلندترین **کوه** در جهان است.**travel** [trævl] (v.)

سفر کردن

We are going to **travel** abroad this summer.ما می خواهیم این تابستان به خارج **سفر کنیم**.**dry** [draɪ] (adj.)

خشک

My skin's got a little **dry** recently.پوست من اخیراً کمی **خشک** شده است.**nowadays** [noʊədəɪz] (adv.)

امروزه / این روزها

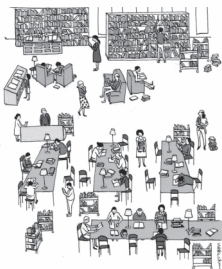
Nowadays the young don't show respect toward the old.**امروزه** جوانان احترامی نسبت به افراد سالمند قائل نیستند.**lose** [liːz] (v.)

از دست دادن / گم کردن

She has **lost** interest in her work.او علاقه اش را به کارش **از دست داده است**.**hopefully** [hɒp'fʊli] (adv.)

با امیدواری / اگر بشود

I want to leave early, **hopefully** before six.می خواهم زود حرکت کنم، **اگر بشود** قبل از ساعت ۶.

**library** [laɪbrəri] (n.)

کتابخانه

She has a fine **library** of books about art.او یک **کتابخانه** بسیار خوب از کتاب‌هایی در مورد هنر دارد.

yard

yard [jɑːd] (n.)

حیاط

I saw him standing in the **yard** this morning.امروز صبح او را دیدم که در **حیاط** ایستاده بود.**take photo** [teɪk foʊtoʊ] (v.)

عکس گرفتن

I **took photo** of my friend and sent it to him through email.از دوستم **عکس گرفتم** و از طریق ایمیل برایش فرستادم.**especially** [ɪˈspeʃəli] (adv.)

ویژه / مخصوصاً / به خصوص

This is the food **especially** prepared for the patients.این غذایی است که **مخصوص** بیماران تهیه شده است.**gazelle** [gæzəl] (n.)

غزال

The hunter tried to catch the **gazelle** but he failed.شکارچی تلاش کرد که آن **غزال** را بگیرد اما موفق نشد.**poem** [pəʊɪm] (n.)

شعر

Her **poems** have been published in the newspaper.**اشعار** او در روزنامه چاپ شده است.**boring** [bɔːrɪŋ] (adj.)

کسالت‌بار

I was forced to watch a **boring** TV show with my family last night.دیشب مجبور شدم که با خانواده‌ام یک برنامه تلویزیونی **کسالت‌بار** را ببینم.**Schedule**

Monday -
8:30 - 18:00
Saturday
8:30 - 13:30

schedule [ˈskɛdʒ ʊ̯ l] (n.)

برنامه (زمان‌بندی شده)

A lot of things happened and my **schedule** was messed up.اتفاقات زیادی افتاد و همه **برنامه‌ریزی‌ام** به هم خورد.

enjoy [ɪn'dʒɔɪ] (v.)

بهره‌مند شدن / لذت بردن

My little brother **enjoys** horseback riding.

برادر کوچک من از اسب‌سواری **خوشش می‌آید (لذت می‌برد)**.



relatives [rɪlətɪvz] (n.)

بستگان / خویشاوندان

His **relatives** died in Bam earthquake many years ago.

بستگان او چندین سال پیش در زلزلهٔ بم مردند (از بین رفتند).



zookeeper [zu:kɪpər] (n.)

نگهبان باغ وحش

A **zookeeper** is a person who is usually responsible for the daily care and the feeding of the animals in a zoo.

نگهبان باغ وحش، شخصی است که کارش معمولاً مراقبت روزانه و تغذیهٔ حیوانات در باغ وحش است.



zoo [zu:] (n.)

باغ وحش

The elephant was brought to the **zoo**.

آن فیل به **باغ وحش** آورده شد.



farm [fɑ:m] (n.)

مزرعه

My father and I visited many **farms** last week.

هفتهٔ گذشته من و پدرم از **مزارع** بسیاری بازدید کردیم.



giraffe [dʒɪræf] (n.)

زرافه

I was amazed to see a **giraffe** being born.

از دیدن تولد یک **زرافه** شگفت‌زده شدم.

visitor [vɪzɪtər] (n.)

مهمان / بازدیدکننده

The other day we had some **visitors** from Germany.

چند روز پیش چند نفر **بازدیدکننده** از آلمان داشتیم.

idea [aɪ'diə] (n.)

عقیده / نظر

Do you have any **idea** of how difficult is to do this?

آیا **نظری** راجع به سختی انجام این کار داری؟



pain [peɪn] (n.)

درد

After doing some exercise I felt some **pain** on the left side of my head.

پس از مقداری ورزش کردن در سمت چپ سرم احساس **درد** کردم.

appropriate [ə'prəʊpriət] (adj.)

مناسب / شایسته

Her clothes were **appropriate** for the occasion. لباس‌های او، **مناسب** آن رویداد بود.



hard-working (adj.)

سخت‌کوش

In this company there are many **hard-working** and energetic employees.

در این شرکت تعداد زیادی کارمند **سخت‌کوش** و پرنرژی وجود دارند.



pilot [paɪlət] (n.)

خلبان

The **pilot** and crew were all killed in the air crash.

خلبان و همه خدمه در سانحه هوایی کشته شدند.



job [dʒɒb] (n.)

حرفه / شغل

She has a **job** as a bank clerk.

او **شغلی** به عنوان یک کارمند بانک دارد.



gulf [gʌlf] (n.)

خلیج

Historically, the Persian **Gulf** belongs to Iran.

از لحاظ تاریخی **خلیج** فارس متعلق به ایران است.

amazing [ə'meɪzɪŋ] (adj.)

شگفت‌انگیز / خارق‌العاده / عجیب

This movie has some **amazing** scenes that are unbelievable.

این فیلم چند صحنه **خارق‌العاده** دارد که غیرقابل باور است.

such as [sʌtʃ æz] (adj.)

مانند / به عنوان مثال

She likes classical composers **such as** Beethoven and Bach.

او آهنگسازهای موسیقی کلاسیک **مانند** بتهوون و باخ را دوست دارد.



identify [aɪ'dentɪfaɪ] (v.)

شناسایی کردن / تشخیص دادن

The old woman was able to **identify** the man who robbed the bank.

آن پیرزن توانست مردی را که از بانک سرقت کرد **شناسایی** کند.

rule [rʊl] (n.)

قاعده / قانون

The man broke the **rule** and was arrested by the police.آن مرد **قانون** شکنی کرد و توسط پلیس دستگیر شد.**simple** ['sɪmpl] (adj.)

ساده

Cell phones are not **simple** tools.تلفن‌های همراه ابزارهای **ساده‌ای** نیستند.**plants** [plænts] (n.)

گیاهان

My father enjoys raising different **plants** in the garden of our house.پدرم از پرورش **گیاهان** مختلف در باغچه خانه‌مان لذت می‌برد.**careful** [kærfəl] (adj.)

دقیق / مواظب / محتاط / با دقت / مراقب / با احتیاط

You must be **careful** in crossing the street.شما باید در عبور از خیابان **مراقب** باشید.**national** [næʃənəl] (adj.)

مربوط به سرتاسر کشور / میهنی / ملی / میهن

Mr. President is going to appear on a **national** Television morning show.آقای رئیس جمهور قرار است در برنامه صبحگاهی تلویزیون **ملی** حضور یابد.**information** [ɪnfərmeɪʃən] (n.)

اطلاعات

Our **information** about the nature of matter is not enough.**اطلاعات** ما نسبت به ماهیت ماده کافی نیست.**voluntary** [vɒlɪntəri] (adj.)

اختیاری / داوطلبانه / خیریه

Their action was completely **voluntary** – nobody asked them to do that.اقدامات آنها کاملاً **داوطلبانه** بود – هیچ‌کس از آنها نخواست که آن کار را انجام دهند.**safe** [seɪf] (adj.)

بی‌خطر / امن

You should keep money in a **safe** place.شما باید پول‌هایتان را در یک مکان **امن** نگهداری کنید.**helpful** ['helpfəl] (adj.)

سودمند / مفید

I offered a **helpful** suggestion to my classmate.من یک پیشنهاد مفید به **هم‌کلاسی‌ام** دادم.**village** [vɪlɪdʒ] (n.)

روستا

The doctor is known to everyone in the **village**.دکتر در این **روستا** برای همه شناخته شده است.**whenever** [hwenev'ər] (adv.)

هر موقع / هر وقت

Whenever she comes back from a journey, she brings a gift for her daughter.**هر موقع** که از سفر برمی‌گردد برای دخترش هدیه می‌آورد.



aquarium [ækweəriəm] (n.)

آکواریوم

The school took the kids to visit Dolphin's **aquarium** in Milad Tower.

مدرسه، بچه‌ها را برای بازدید **آکواریوم** دلفین‌ها به برج میلاد برد.



report [rɪpɔ:t] (n.)

گزارش

The committee will publish its **report** tomorrow.

فردا کمیسیون **گزارش** خود را منتشر خواهد کرد.

weekend [wik'end] (n.)

آخر هفته

I spent the **weekend** with my friends.

آخر هفته را با دوستانم گذراندم.

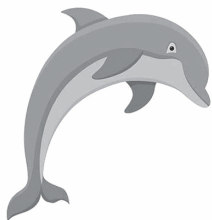


bear [bɛr] (n.)

خرس

It was my first time to see a **bear** track in the forest.

اولین بار بود که رد پای یک **خرس** را در جنگل می‌دیدم.



dolphin [dɒlfin] (n.)

دلفین

The **dolphin** carried him with great speed to the nearest shore.

دلفین، او را با سرعت زیاد به نزدیکترین ساحل برد.

mean [mi:n] (v.)

معنی داشتن / منظور داشتن

I did not **mean** to hurt you.

منظورم این نبود که به شما آسیب برسانم.

kill [kɪl] (v.)

کشتن

Unfortunately, some people were **killed** in the car accident.

متأسفانه چندین نفر در تصادف خودرو **کشته شدند**.



cow [kaʊ] (n.)

گاو

The **cows** were in poor condition and too old for what he wanted.

گاوها برای آنچه که او می‌خواست شرایط بدی داشتند و بسیار پیر بودند.



hen [hɛn] (n.)

مرغ

The **hen** lays an egg almost every day.

آن **مرغ** تقریباً هر روز یک تخم می‌گذارد.



farmer ['fɑ:mə] (n.)

کشاورز

Farmers always complain about the weather.

کشاورزان همیشه نسبت به آب و هوا شکایت دارند.

consider [kən'sidə] (v.)

در نظر گرفتن / ملاحظه کردن

To solve the problem, I have to **consider** the different aspects of it.

برای حل مسئله باید جنبه‌های مختلف آن را **در نظر بگیرم**.

average ['ævərɪdʒ] (adj.)

میانگین / متوسط

How much time does the **average** teenager watch TV every day?

یک نوجوان به طور **متوسط** چه مدت زمان در روز را تلویزیون تماشا می‌کند؟

life span [laɪf spæn] (n.)

طول عمر

The average **life span** in Japan is 80 years.

متوسط **طول عمر** در کشور ژاپن ۸۰ سال است.



camel [kæmə] (n.)

شتر

The **camels** are animals most used for transportation in the African deserts.

شترها حیواناتی هستند که اکثراً برای حمل و نقل (جابجایی) در بیابان‌های آفریقا استفاده می‌شوند.



mouse [maʊs] (n.)

موش

The man was trying to get rid of the **mouse** in the house.

مرد تلاش می‌کرد تا از شر **موش** در خانه خلاص شود.



sheep [ʃi:p] (n.)

گوسفند

There are a lot of **sheep** in the farm.

تعداد زیادی **گوسفند** در مزرعه وجود دارند.

wonderful [wʌndəfʊl] (adj.)

شگفت‌انگیز / خارق‌العاده

Last night I heard **wonderful** news about traveling to Mars.

دیشب خبرهای **شگفت‌انگیزی** درباره سفر به مریخ شنیدم.

1. **If you take this pill, it you against flu.**
1) saves 2) protects 3) visits 4) hurts
2. **In her free time, she does a lot of work for the charities.**
1) simple 2) natural 3) voluntary 4) national
3. **If you feed your dog properly, you can his lifespan.**
1) increase 2) consider 3) protect 4) mean
4. **The landed the plane in the field very slowly.**
1) farmer 2) pilot 3) visitor 4) traveler
5. **She expressed his feelings for in a poem.**
1) zoo 2) nature 3) travel 4) idea
6. **If the whales are not protected, they will in the near future.**
1) put out 2) turn out 3) call out 4) die out
7. **The doctor tried to do his best to keep the old man but he failed.**
1) injured 2) active 3) simple 4) alive
8. **In the desert are more important than cars for transportation.**
1) lions 2) goats 3) camels 4) giraffes
9. **My mom thought what my sister was wearing wasn't for a formal party.**
1) appropriate 2) average 3) oral 4) hopeful
10. **The students' school day is into 6 periods during the term this year.**
1) heard 2) divided 3) enjoyed 4) lost
11. **As soon as we got to the we started swimming.**
1) plain 2) yard 3) lake 4) mountain
12. **The government is going to place the African elephant on its list.**
1) careful 2) injured 3) safe 4) endangered
13. **John wasn't a/an good student in high school last year.**
1) hopefully 2) especially 3) recently 4) carefully
14. **I make it a/an not to watch a television after nine o'clock.**
1) report 2) rule 3) job 4) idea
15. **The boy who had been missing was by his clothes.**
1) protected 2) visited 3) identified 4) saved
16. **My friend is staying with his in Shiraz for the next three weeks.**
1) plans 2) poems 3) relatives 4) plains
17. **It's how little time my friend spends with his children.**
1) boring 2) hard-working 3) saving 4) amazing
18. **The studies show that in future the average in the world will increase.**
1) lifespan 2) wildlife 3) nature 4) attention
19. **The accident all his hopes for success.**
1) destroyed 2) divided 3) happened 4) protected
20. **They had to change their because the train arrived late.**
1) report 2) schedule 3) habit 4) problem
21. **It rained yesterday after it had been for a long time.**
1) dry 2) natural 3) wet 4) clean
22. **It took two hours to the fire of the building.**
1) turn off 2) put out 3) cut down 4) turn on

